

نسبت به سند رسمی (که موجب علم قاضی نشود و گر نه چنان چه موجب علمی شود که از نظر شرع و قانون قابل اعتماد باشد، باید آن را در لیست علم قرار داد و آن را در گفتگوی کنونی ما داخل نمود) ماده 1309 ق.م (مصوب 13 مهر ماه و 8 آبان 1314) مقرر می داشت:

«در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد به شهادت اثبات نمی گردد».

مطابق متن فوق باید در رسم مبین مراتب امارات، سند رسمی و شبه آن را بعد از اقرار و قبل از شهادت شرعی قرار داد، البته چنان چه مراد از احراز در محکمه، احراز موجب علم برای مقام قضایی باشد، باید آن را از لیست اسناد خارج و داخل در اسباب موجب علم قرار داد، قهرا از امارات قانونی مستقل به حساب نمی آید.

شنیدنی این که این ماده، اعتراض شورای نگهبان را برانگیخت؛ بدین قرار:

«در نظریه شماره 2655 شورای نگهبان مورخ 8 آبان 67 که در شماره 12734 روزنامه رسمی مورخ 24 آبان 67 درج شده، چنین است: «شورای عالی محترم قضایی، پیرو سؤالی که در مورد مشروعیت ماده 1309 قانون مدنی از شورای نگهبان شده بود، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر فقهای شورای نگهبان با استفاده از اصل چهارم قانون اساسی به شرح ذیل اعلام می گردد؛ ماده 1309 قانونی مدنی از این نظر که شهادت بینة شرعی را در برابر اسناد معتبر فاقد ارزش دانسته، خلاف موازین شرع و بدین وسیله ابطال می گردد».

البته رویه قضایی بر وفاق هیچ طرف (ناسخ و منسوخ) مستقر نیست و ظاهراً قضات متفاوت عمل می کنند!¹

نسبت به رتبه بندی امارات، گاه تعارض امارات از یک جنس مطرح و –بالطبع – رتبه بندی آن ها نیز مطرح می شود. در این جا است که قانون گذار ج.ا. ایران نیز ورود داشته است و – به عنوان مثال – در قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 مقرر کرده:

ماده 235: «اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار کند، ولی دم در مراجعه به هر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی تواند مجازات هر دو را مطالبه نماید».

1. ر.ک: همین قلم و حسین عندلیب، مقاله «تعارض بینة و سند رسمی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران / پیشنهاد اصلاح ماده 1309 ق.م. ایران» چاپ شده در فصلنامه جستارهای فقهی اصولی، ش 21، زمستان 1399.

ماده 236: «اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار نماید، در صورتی که اولی از اقرارش برگردد، قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت المال پرداخت می شود. و این در حالی است که قاضی احتمال عقلائی ندهد که قضیه توطئه آمیز است».

در جستجو از آرای فقیهان نیز اصل رتبه بندی دیده می شود.

- صدر جایگاه به علم (با اختلاف رفتاری که نسبت به گستره اعتبار علم دارند) اختصاص دارد، مگر بنابر انگاره عدم اعتبار علم قاضی که در این صورت عدم اعتبار به فرض تعارض هم اختصاص ندارد.² استدلال برای صدر نشان دادن علم نسبت به بقیه امارات قانونی، در امتداد جوازی یا وجوب عمل قاضی به علم خویش است. به عنوان مثال گفته شده: «من حکم بعلمه فقد حکم بالعدل والحق»؛ «ان علی الحاکم ان یحکم بما انزل الله و ظاهر ذلک ان ما انزل الله هو موضوع الحکم بین الناس و مع العلم به یجب الحکم بحسبه عقلا و الا لم [فلم] یجز الحکم لانه افتراء علی الله تعالی».³ استدلال های فوق و شبه آن، هر چند در راستای اثبات اندیشه جواز داوری بر بنیان علم به منصفه ظهور رسیده است، لکن - به دلیل ظرفیتی که در استدلال هست - می توان برای صدر نشینی آن نیز از آن ها بهره برد».
- در گذشته⁴ از تعارض بینه داخل و خارج گفتگو کردیم و به اختلاف موجود در آن نیز آشنا شدیم.
- مسئولیت در زمان علم اجمالی به عامل جنایت در وقت تعارض بینه ها یا اجمال قرائن نیز مورد گفتگوی فقیهان است⁵ که با بحث ما مرتبط است و مورد اشاره قانون گذار نیز قرار گرفته است.⁶
- رتبه دوم در متون فقهی به اقرار داده شده و وجه آن اکشف بودن آن نسبت به بینه و موافقت آن با عرف و بنای عقلا دانسته شده است.⁷ شاید وجه دوم برخاسته از وجه اول باشد.
- طبیعی است که شهادت شهود و بینه جایگاه قبل از قسم و قسامه را از آن خود نماید.
- بلکه با پذیرش نظرات کارشناس و شبه آن واسناد رسمی به عنوان امارات قانونی نباید بر تقدم آن ها بر سوگند و قسامه تردید کرد.

2. ر.ک: مرکز تحقیقات فقهی - حقوقی قوه قضائیه، گنجینه استفتانات قضایی، سوال 124 و پاسخ آن.

3. ر.ک: ادله اثبات در دعاوی حقوقی و کیفری، پاورقی ص 208.

4. ص 363 و 364.

5. در این زمینه مقاله ای از این قلم با همکاری آقای محمودی با عنوان «بازپژوهی فقهی مسئولیت در زمان علم اجمالی به عامل جنایت در وقت تعارض بینه ها یا اجمال قرائن» از فصلنامه حقوق اسلامی، آماده انتشار است.

6. ماده 315 از ق.م. اسلامی مصوب 1370 و ماده 477 مصوب 92.

7. ر.ک: ادله اثبات در دعاوی حقوقی و کیفری، پاورقی ص 214.